

محدودیت تاثیر علل و اسباب

از نظر آموزه‌های قرآنی، دنیا دارالاسباب است و برای رسیدن به اهداف باید از وسائل و اسباب مناسب آن بهره برد، چنانکه ذوالقرنین این گونه عمل کرد. (کهف، آیه ۸۲ تا ۹۲)
خدا بصراحت در جایی دیگر می‌فرماید: **یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاتَّبِعُوا الْيُسْـبُولَ**—اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست آویز و وسیله‌ای از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان در گاهش برای تقرب به سوی او بجویید. (مانده، آیه ۳۵ و نیز اسراء، آیه ۵۷)
اما باید توجه داشت که اسباب و وسایل هر چند به حکم سنت‌های الهی تأثیر می‌گذارند، ولی حاکم بر خدا نخواهد بود، زیرا خدا حاکم مطلق است نه قوانین، حتی قوانینی که به عنوان سنت الهی در جهان و جان و جامعه حاکم است. از این رو اگر آتش می‌سوزاند به مشیت اوست، ولی ممکن است به حکمت الهی نسوزاند، چنانکه بر ابراهیم(ع) گستاخ شد: **فَلَمَّا يَا نَارُ كُونِيَ بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی إِذْهَابِي**، پس او را در آتش افکندند، گفتیم: آتش ا بر ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش! (انبیاء، آیه ۶۹)
از همین رو امام سجّاد(ع)در توصیف خدا می‌فرماید: یا من لاتبدل حکمته الوسائل (صحیفه سجاده، دعای ۱۳): ایزد خدایی که وسایل و اسباب، جایگزین حکمت او نمی‌شود و آن را تغییر نمی‌دهد.

به عنوان نمونه، از سنت‌های الهی چشم زخم است که تاثیر سوء به جامی گذارد. از همین رو برای دفع آن لازم است که ماشاالله گفته شود، و چرا وقتی به باغ خود، وارد شدی، نگفتی: آنچه خدا بخواهد صورت می‌پذیرد و هیچ نیرویی جز به وسیله خدا نیست! اگر مرا از جهت ثروت و فرزند کمتر از خودت می‌بینی. (کهف، آیه ۳۹)
در این آیه بیان شده برای چشم زخم و حفظ برکت، ایمان و گفتن ماشاالله تاثیر دارد.

حضرت یعقوب(ع) نیز برای دفع چشم زخم از فرزندان می‌خواهد در موقعیتی قرار بگیرند که چشم شوند. برای همین از آنان می‌خواهد تا جدا از هم و از درهای مختلف وارد شهر شوند. خدا می‌فرماید، و گفت: ای پسرانم! در این سفر از یک در وارد نشوید بلکه از درهای متعدد وارد شوید و البته من با این تدبیر نمی‌توانم هیچ حادثه‌ای را که از سوی خدا برای شما رقم خورده از شما برطرف کنم، حکم فقط ویژه خداست، تنها بر او توکل کردم و همه توکل کنندگان باید به خدا توکل کنند.(یوسف، آیه ۶۷)

و می‌فرماید: هنگامی که فرزندان یعقوب از آنجایی که پدرشان دستور داده بود وارد شدند، تدبیر یعقوب نمی‌توانست هیچ حادثه‌ای را که از سوی خدا رقم خورده بود، از آنان برطرف کند جز خواستهای که در دل یعقوب بود که فرزندانش به سلامت و دور از چشم زخم وارد شوند که خدا آن را به انجام رساند. یعقوب به سبب آنکه تعلیمش داده بودیم از دانشی ویژه برخوردار بود ولی بیشتر مردم که فقط چشمی ظاهرین دارند ، این حقایق را نمی‌دانند. (یوسف، آیه ۶۸)

از این آیات دانسته می‌شود :

- سنت‌های الهی حاکم بر هستی است؛
- سنت‌های الهی حاکم بر خدا نیست؛
- سنت‌های الهی به مصلحت الهی در جزئیات تغییر می‌کند.
- سنت‌های الهی علیه حکمت الهی نیست.

همچنین معلوم می‌شود که برای دفع چشم‌زخم، می‌توان افزون بر عمل پنهان کاری و عدم نمایش آشکار نعمت، عبارت: «علیه توکل» را گفت.

همچنین این قاعده، کلی است و دیگران غیر از یعقوب(ع) می‌توانند به آن عمل کنند.
این آیات نشان می‌دهند که با آنکه حضرت بر اساس دانش و تعلیم الهی عمل کرتا به حاجت خویش دستس یابد و مشکلاتی برای فرزندان پیش نیاید ولی حکمت الهی چیز دیگری بود. از این رو بنیامین نیز گرفتار می‌شود.

پس با اینکه وظیفه ما بکارگیری اسباب است ولی این بدان معنا نیست که اسباب حتماً باید مطلق دارد. اگر توسلی به اسباب شود تا مثلاً بیماری شفا یابد ممکن است حکمت الهی عدم درمان یا حتی مرگ بیمار باشد. بنابراین وظیفه ما عمل به اسباب است؛ زیرا نمی‌دانیم که حکمت الهی چیست.

تفویض در مکتب انسان گرایی (اومانیسم)

جبر و تفویض دو مکتب اعتقادی تاثیرگذار در رفتار انسان است. این دو مکتب فکری همواره در طول تاریخ با انسان بوده و زبان های بسیاری بر جامعه بشری وارد کرده است. جبرگرایی بر این باور است که دست انسان در افعال و کارهایش بسته است. این دروغی بزرگ است؛ زیرا انسان‌ها با این باور کارهای رشت و بد خود را به خدا نسبت خواهند داد؛ چنانکه یزید و ابن مرجمان در قتل امام حسین(ع) گفتند: خدا او را کشت؛ این در حالی است‌که خداوند با تشریع احکام و مکتف کردن انسان به تکالیف شرعی عملاً در چارچوب واجبات و محرمات، این قول را باطل دانسته است؛ زیرا اگر براساس آموزه‌های قرآن و دیگر کتب آسمانی از تورات و انجیل، تکالیفی برای انسان است و گرایایی باطل است و انسان در اختیار یافته است؛ پس باید گفت که قدرت الهی شامل است و انسان در کارهایش دارای اختیار بوده و جبرت ترک و انجام آن را داشته و باید پاسخ‌گوی اعمالش باشد. تفویض گرایان براین باورند که خداوند خلق را به خودشان واگذار کرده و کاری به کار آنان ندارد. یهودیان این گونه می‌گفتند و عمل می‌کردند. خداوند می‌فرماید: **وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَقْلُوبَةٌ**؛ و یهود گفت: دست خداوند بسته است.مانده، آیه ۶۴ در حقیقت خداوند در آیات ۲۰ ، ۲۱ و ۲۲ در دفاع زرمندگان و غیورمردان این مرز و بوم از تجاوز دشمن، از مصادیق ایثار و از خودگذشتگی در بعد اجتماعی است. این نوع ایثار در حقیقت بالاترین و رفیع‌ترین درجه است که شخص ایثارکننده از جان خود مایه می‌گذارد و عزیزترین خواستنی که زندگی باشد را برای اهداف والا تقدیر می‌کند. در دفاع مقدس بسیاری از جوانان بی‌بند بدون هیچ چشم‌داشت و اجباری وارد نبرد حق در برابر باطل شدند. برخی اعضای بدن خود را از دست دادند، برخی شیمیایی شدند، برخی مقطوع خنک شدند و برخی به درجه شهادت نایل شدند.

دخاوند متعال در آیات ۲۰ ، ۲۱ و ۲۲ ساله شهادت نامه توبه درباره فضیلت جهاد در راه خدا و گذشتن از جان و برتری آن بر ابرسانی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام چنین می‌فرماید: «**یا أَيُّهَا كِهِ** ای ابرسانی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام مشغول‌اند را با کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا بجهد می‌کند، یکسان می‌داند؛ نه هرگز چنین زیادت است. در راه خدا با بذل مال و جانشسان جهرت و جهاد کردند و مقایسه بس والا درد خدا دارند و ایشان همان رستگارانند که پروردگارتان به رحمت و رضایت خود آنها را بشارت می‌دهد و به باغ‌هایی در بهشت که در آن تا ابد از انواع نعمت‌ها بهره‌مند خواهند بود. به راستی پادش بزرگ تنها نزد خداوند است.»

سبک زندگی اسلامی در پر تو شخصیت اسلامی

آنچه که اهمیت دارد، این است که بدانیم اساساً سبک زندگی معلول شخصیت است. اگر کسی شخصیت اسلامی نداشته‌باشد، قطعاً سبک زندگی اسلامی هم نخواهد داشت چراکه سبک زندگی مثل شاخ و برگ و میوه درخت و شخصیت اسلامی به منشا ریشه درخت است. پس اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را در جامعه و به‌ویژه میان نوجوانان نهادینه کنیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه شخصیت آنان را اسلامی کنیم. شخصیت هر فردی در گرو سه ضلع است که از آن به‌عنوان مثلث شخصیت یاد می‌کنند. هر واقع این سه ضلع به‌عنوان سازنده شخصیت شناخته می‌شوند. اولین ضلع «محیط» است که از عوامل مهم محسوب می‌شود و شخصیت فردی را به‌خصوص در دوره نوجوانی می‌سازد. نوجوانان با انتخاب محیط‌های مناسب مثل مساجد و پایگاه‌های بسیج شخصیت خود را جامعه‌پسند و اسلامی می‌کنند. البته محیط نیز به دو دسته تقسیم می‌شود: محیط حقیقی و محیط مجازی که در چنددهه اخیر محیط مجازی شکل و قوت گرفته‌است. اگر محیط مجازی از سوی خانواده‌ها کنترل نشود، می‌تواند عوارض نامطلوبی را در شخصیت نوجوانان بگذارد و آنان را از سبک زندگی ایده‌آل دور کند. به‌ویژه بازی‌های آنلاین رایج‌های، شبیه‌سازی‌ها و… همه‌ومه می‌تواند ترویج‌دهنده خشونت باشد یا القای شبهه می‌پاسخ.

«تعلیم و تربیت» دومین ضلع شخصیت‌ساز است و اگر خداپسند و الهی باشد، سبب می‌شود تا افراد جامعه از حیث معنوی، دینی و انسانی رشد کرده و شکوفا گردند. در آیات قرآن نیز به مسئله تربیت و تزکیه‌ناشده اشاره شده است. برای مثال در آیهٔ ۱۶۴ سوره مبارکه «آل عمران» خداوند می‌فرماید: **لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ لَئِي ضَلَّالٍ مُّبِينٍ** «به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان برگزید و تعلیم و تربیت آنان را برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکستان و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و آنان آلفعهٔ پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»

مسئله تعلیم و تربیت اسلامی را می‌توانیم با حفظ ارتباط با مساجد در وجود نوجوانان نهادینه کنیم. معتقدم نوجوانان با همراهی خانواده خود باید تعامل خود را با عالمان دینی و مساجد حفظ کنند. پایگاه‌های بسیج و مساجد دوره‌های خوبی را در طول سال برگزار می‌کنند که اگر ارتباط با این اماکن بیشتر شود، در نتیجه سبک زندگی اسلامی و تربیت ناشی از آن را می‌توانیم در رفتار و منش فرزندان شاهد باشیم. نمی‌توان مسئله «وراثت» را در شکل‌گیری شخصیت افراد نادیده گرفت. وراثت موضوعی است که دست خود فرد نیست و روی رفتار و منش افراد تأثیر می‌گذارد.

با این مقدمات می‌خواهیم به این نقطه برسیم که در صورتی که فرد، هر سه ضلع شخصیتی را در وجودش داشته باشد، در صورت وجود شرایط مناسب، می‌تواند در جامعه فرد مفیدی باشد. اگر بخواهیم فرزندان ما براساس سبک زندگی اسلامی و با منش و رفتار بسیارگوار حرکت کنند، باید این شرایط را برایشان فراهم کنیم و مؤلفه‌های ایثار و فرهنگ فداکاری را در عمل به آنها بشناسانیم. فرهنگ ایران اسلامی و به‌ویژه دوره هشت‌ساله دفاع مقدس مملو از این ایثارها است که اگر بتوانیم برای فرزندان علم کنیم، قطعاً تاثیرگذار خواهد بود. امروز باید با بهره‌گیری از فرهنگ ایثار از همان دوران کودکی، فرزندان را براساس رویکردی فداکارانه تربیت کنیم، رویکردی که در فرهنگ بسیجی دیده می‌شود.

فرهنگ ایثار در جوامع دینی به ویژه دین اسلام، نهادینه تر است و افراد جامعه به آن اقبال و رویکرد بیشتری دارند و علت آن هم آیات و روایات بسیاری است که به این امر تشویق می‌کند و برای آن پاداش‌های دنیوی و اخروی را ذکر می‌کنند.

ایثار فردی و ایثار اجتماعی
در تعریف ایثار گفته‌اند: «لا عبات است از بخشش و جود، با وجود احتیاج و ضرورت خود» (ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۰۹) علاوه خوبی‌ها و بدی‌های جزئی، فردی و موقت که محدود به وجدان‌های فردی است، کلی سلسله خوبی‌ها و بدی‌ها هست که همه افراد در آن مشترک‌کاند مانند ایثار و فداکاری.
ایثار و از خودگذشتگی در دو حوزه مطرح می‌شود:
الف) حوزه فردی مانند: سیر کردن گرسنه‌ای درحالی که خود ایثارکننده نیازمند به آن غذا باشید یا با نفاق به فقرا و مساکین از طرف شخصی که برای پر آورده کردن حاجتش به آن هزینه و پول محتاج باشد؛
ب) حوزه اجتماعی مانند: دفاع از مرزهای کشور و ممانعت از متجاوزان برای حفظ میهن.

بعد از انقلاب اسلامی، حزب بعث عراق به سرکردگی صدام به ایران حمله کرد و سبب جنگ ۸ ساله شد. دفاع زرمندگان و غیورمردان این مرز و بوم از تجاوز دشمن، از مصادیق ایثار و از خودگذشتگی در بعد اجتماعی است. این نوع ایثار در حقیقت بالاترین و رفیع‌ترین درجه است که شخص ایثارکننده از جان خود مایه می‌گذارد و عزیزترین خواستنی که زندگی باشد را برای اهداف والا تقدیر می‌کند. در دفاع مقدس بسیاری از جوانان بی‌بند بدون هیچ چشم‌داشت و اجباری وارد نبرد حق در برابر باطل شدند. برخی اعضای بدن خود را از دست دادند، برخی شیمیایی شدند، برخی مقطوع خنک شدند و برخی به درجه شهادت نایل شدند.

دخاوند متعال در آیات ۲۰ ، ۲۱ و ۲۲ ساله شهادت نامه توبه درباره فضیلت جهاد در راه خدا و گذشتن از جان و برتری آن بر ابرسانی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام چنین می‌فرماید: «**یا أَيُّهَا كِهِ** ای ابرسانی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام مشغول‌اند را با کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا بجهد می‌کند، یکسان می‌داند؛ نه هرگز چنین زیادت است. در راه خدا با بذل مال و جانشسان جهرت و جهاد کردند و مقایسه بس والا درد خدا دارند و ایشان همان رستگارانند که پروردگارتان به رحمت و رضایت خود آنها را بشارت می‌دهد و به باغ‌هایی در بهشت که در آن تا ابد از انواع نعمت‌ها بهره‌مند خواهند بود. به راستی پادش بزرگ تنها نزد خداوند است.»

نقش دین در فرهنگ‌سازی ایثار

فرهنگ ایثار در جوامع دینی به‌ویژه دین اسلام، نهادینه‌تر است و افراد جامعه به آن اقبال و رویکرد بیشتری دارند. علت آن هم آیات و روایات بسیاری است که به این امر تشویق می‌کنند و برای آن پاداش‌های دنیوی و اخروی را ذکر می‌کنند. براساس تجربه می‌توان گفت که اگر تکوینیم هم انسان‌ها، دست‌کم

معارف Maaref@Kayhan.ir

از مفاهیم پر ارزش در تمامی جوامع حتی جامعه‌هایی که از فرهنگ دینی سطحی برخوردارند، ایثار و فداکاری است. این صفت در نزد افرادی که قائل به ماوراء طبیعت نیستند و یا به قولی لایبک و ماتر بالیست (ماده‌گرا) هستند، از فضایل اخلاقی شمرده می‌شود و دارنده این صفت را تمجید و ستایش می‌کنند. دین اسلام از ایثار و فداکاری به‌عنوان صفت حسنه یاد کرده و پیوسته بر آن تأکید کرده است. در آیات قرآنی و روایات معصومین(ع)، موارد و مصادیق متعددی از ایثار بر شمرده شده است. در نوشتار حاضر از خودگذشتگی و فداکاری در سبک زندگی اسلامی تبیین و بررسی شده است.

بسیاری از آن‌ها، تا تشویق یا تنبیهی نباشند، چندان رغبتی به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین بدون دین و برخی از آموزه‌های دینی، همچون اعتقاد به عدالت الهی، وجود معاد، و حسابرسی به اعمال بندگان، اکثریت مردمان چندان التزامی به اصول و ارزش‌های اخلاقی نخواهند داشت. در واقع مصلحت‌خواهی، خودگرایی، و حب ذات در همه مسائل، از جمله مسائل اخلاقی، گریبان‌گیر عموم انسان‌ها است. بسیاری به‌خاطر شوق به بهشت و نعمت‌های آن و بسیاری دیگر به دلیل هراس از جهنم و نعمت‌های آن است که به رفتارهای اخلاقی تن می‌دهند و خود را مقید به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد می‌کنند. بی‌تردید در این‌زمینه دین نیز می‌تواند با ارائه تضمین‌های لازم و بیان تأثیرات و

از مفاهیم پسر ارزش در تمامی جوامع حتی جامعه‌هایی که از فرهنگ دینی سطحی برخوردارند، ایثار و فداکاری است. این صفت حتی در نزد افرادی که قائل به ماوراء طبیعت نیستند و یا به قولی لاینک و ماتر بالیست (ماده‌گرا) هستند، از فضایل اخلاقی شمرده می‌شود و دارنده این صفت را تمجید و ستایش می‌کنند. دین اسلام از ایثار و فداکاری به‌عنوان صفت حسنه یاد کرده و پیوسته بر آن تأکید کرده است.

ایثار و فداکاری در سبک زندگی اسلامی

علی قنبریان

در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکستان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»
همچنین در دومین آیه سوره «جمعه» آمده است «**هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ لَئِي ضَلَّالٍ مُّبِينٍ** «اوست آن‌کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکستان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و آنان آلفعهٔ پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»

مسئله تعلیم و تربیت اسلامی را می‌توانیم با حفظ ارتباط با مساجد در وجود نوجوانان نهادینه کنیم. معتقدم نوجوانان با همراهی خانواده خود باید تعامل خود را با عالمان دینی و مساجد حفظ کنند. پایگاه‌های بسیج و مساجد دوره‌های خوبی را در طول سال برگزار می‌کنند که اگر ارتباط با این اماکن بیشتر شود، در نتیجه سبک زندگی اسلامی و تربیت ناشی از آن را می‌توانیم در رفتار و منش فرزندان شاهد باشیم. نمی‌توان مسئله «وراثت» را در شکل‌گیری شخصیت افراد نادیده گرفت. وراثت موضوعی است که دست خود فرد نیست و روی رفتار و منش افراد تأثیر می‌گذارد.

با این مقدمات می‌خواهیم به این نقطه برسیم که در صورتی که فرد، هر سه ضلع شخصیتی را در وجودش داشته باشد، در صورت وجود شرایط مناسب، می‌تواند در جامعه فرد مفیدی باشد. اگر بخواهیم فرزندان ما براساس سبک زندگی اسلامی و با منش و رفتار بسیارگوار حرکت کنند، باید این شرایط را برایشان فراهم کنیم و مؤلفه‌های ایثار و فرهنگ فداکاری را در عمل به آنها بشناسانیم. فرهنگ ایران اسلامی و به‌ویژه دوره هشت‌ساله دفاع مقدس مملو از این ایثارها است که اگر بتوانیم برای فرزندان علم کنیم، قطعاً تاثیرگذار خواهد بود. امروز باید با بهره‌گیری از فرهنگ ایثار از همان دوران کودکی، فرزندان را براساس رویکردی فداکارانه تربیت کنیم، رویکردی که در فرهنگ بسیجی دیده می‌شود.

در دین اسلام نیت جایگاه و به‌زای دارد تا آنجا که در حدیثی از پیامبر اسلام(ص) چنین آمده است: **«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى**» همانا اعمال با نیت سنجیده می‌شود و برای هر شخصی آن چیزی است که در نیت می‌گیرد. هر چقدر که نیت الهی‌تر باشد، کارها و اعمال انسان ارزش بیشتری می‌یابد.

امام علی(ع) درباره نیت در حکمتی از کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه چنین فرماید: **قال: «إِن قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَلَنُكَرَ عِبَادَةَ التَّجَارِ وَ إِن قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَلَنُكَرَ عِبَادَةَ الْعَبِيدِ وَ إِن قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَلَنُكَرَ عِبَادَةَ الْأَخْرَارِ** «بندگان خدا سه دسته هستند: گروهی خدا را به امید بخشش پرستش کردند، که این پرستش بازرگانان است، و گروهی او را از روی سیاسگرزای پرستیدند و این پرستش ازادگان است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۷) بنابراین در منظومه معرفتی دین اسلام، عمل رابطه مستقیمی با نیت دارد. ایثار، فداکاری هم از این امر مستثنا نیست. از همین جهت که ایثار و فداکاری می‌کنند و از مال و جان خود می‌گذرند و نیتشان صرفاً به‌دست آوردن رضایت خشنودی الهی است، عملشان ارزش بیشتری دارد نسبت به‌اشخاصی که برای به‌دست آوردن لذت بهشت و یا دوری از جهنم، فداکاری می‌کنند. **«مَثَلُ الَّذِينَ يَنْتَفِقُونَ أَمْوَالَهُم لِيُنْفِقُوا إِتِنَاءً مَّرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَشْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَذْءٍ زَيْتُونَةٍ وَابِلٍ فَاقَتْ أَعْيُنَهَا مِغْفِرِينَ فَإِن لَّمْ يَصْنِعْهُنَّ وَابِلٍ فَطَلَّ وَاللَّهِ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٍ**» (و کلا) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی، در روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه در بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و بار آفتاب، به حد کافی بهره گیرد) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.» (بقره - ۲۲۵)

ایثار فردی و ایثار اجتماعی
در تعریف ایثار گفته‌اند: «لا عبات است از بخشش و جود، با وجود احتیاج و ضرورت خود» (ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۰۹) علاوه خوبی‌ها و بدی‌های جزئی، فردی و موقت که محدود به وجدان‌های فردی است، کلی سلسله خوبی‌ها و بدی‌ها هست که همه افراد در آن مشترک‌کاند مانند ایثار و فداکاری.
ایثار و از خودگذشتگی در دو حوزه مطرح می‌شود:
الف) حوزه فردی مانند: سیر کردن گرسنه‌ای درحالی که خود ایثارکننده نیازمند به آن غذا باشید یا با نفاق به فقرا و مساکین از طرف شخصی که برای پر آورده کردن حاجتش به آن هزینه و پول محتاج باشد؛
ب) حوزه اجتماعی مانند: دفاع از مرزهای کشور و ممانعت از متجاوزان برای حفظ میهن.

بعد از انقلاب اسلامی، حزب بعث عراق به سرکردگی صدام به ایران حمله کرد و سبب جنگ ۸ ساله شد. دفاع زرمندگان و غیورمردان این مرز و بوم از تجاوز دشمن، از مصادیق ایثار و از خودگذشتگی در بعد اجتماعی است. این نوع ایثار در حقیقت بالاترین و رفیع‌ترین درجه است که شخص ایثارکننده از جان خود مایه می‌گذارد و عزیزترین خواستنی که زندگی باشد را برای اهداف والا تقدیر می‌کند. در دفاع مقدس بسیاری از جوانان بی‌بند بدون هیچ چشم‌داشت و اجباری وارد نبرد حق در برابر باطل شدند. برخی اعضای بدن خود را از دست دادند، برخی شیمیایی شدند، برخی مقطوع خنک شدند و برخی به درجه شهادت نایل شدند.

دخاوند متعال در آیات ۲۰ ، ۲۱ و ۲۲ ساله شهادت نامه توبه درباره فضیلت جهاد در راه خدا و گذشتن از جان و برتری آن بر ابرسانی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام چنین می‌فرماید: «**یا أَيُّهَا كِهِ** ای ابرسانی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام مشغول‌اند را با کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا بجهد می‌کند، یکسان می‌داند؛ نه هرگز چنین زیادت است. در راه خدا با بذل مال و جانشسان جهرت و جهاد کردند و مقایسه بس والا درد خدا دارند و ایشان همان رستگارانند که پروردگارتان به رحمت و رضایت خود آنها را بشارت می‌دهد و به باغ‌هایی در بهشت که در آن تا ابد از انواع نعمت‌ها بهره‌مند خواهند بود. به راستی پادش بزرگ تنها نزد خداوند است.»

نقش دین در فرهنگ‌سازی ایثار
فرهنگ ایثار در جوامع دینی به‌ویژه دین اسلام، نهادینه‌تر است و افراد جامعه به آن اقبال و رویکرد بیشتری دارند. علت آن هم آیات و روایات بسیاری است که به این امر تشویق می‌کنند و برای آن پاداش‌های دنیوی و اخروی را ذکر می‌کنند. براساس تجربه می‌توان گفت که اگر تکوینیم هم انسان‌ها، دست‌کم

در عوض رضای خدا می‌گذرد و خداوند بر بندگانش روف و مهربانست» (بقره - ۲۰۷)
از رفتار زیبات در آن شب پرده برداشت.» (مهدی عطائی جعفری، امیر بهشت: زیارت مخصوص امیرالمؤمنین(ع) در عید غدیر از زبان امام هادی(ع)، ص ۷۱-۷۲)

اطعام مسکین، یتیم، و اسیر
در آیات ۸ و ۹ سوره انسان چنین آمده است: **«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلٰی حَيْثُ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اِسِيرًا اِنَّمَا تُطْعَمُوْهُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ لَا تُرِيْدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا**» اینالله مکارم شیرازی این آیات را چنین معنا کرده است: «و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهندا (و می‌گویند)، ما شما را به‌خاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سیاسی از شما نمی‌خواهیم! از این دو آیه دو نکته مهم دانسته می‌شود:

الف) اینکه کسی که غذا را به مسکین، یتیم، و اسیر می‌دهد، خود به آن احتیاج و علاقه دارد. زیرا در آیه لفظ «**عَلٰی حَيْثُ**» آمده است. این اطعام نمونه‌ای از ایثار و فداکاری است.

ب) نیت اطعام‌کننده (غذادهنده) کلاماً الهی است و برای به‌دست آوردن رضایت و شهودی الهی است نه برای شهرت و خودمنامی و…

در تفسیر آیات الاحکام درباره تفسیر و شأن نزول این آیات چنین آمده است:

«اطعام کردن آنها ساده نیست، بلکه توأم با ایثار در هنگام نیاز شدید است، و از سوی دیگر اطعامی است گسترده که انواع نیازمندان را از «مسکین»، «یتیم» و «اسیر» شامل می‌شود، و به این ترتیب رحمتشان عام و خدمتشان گسترده است و جمع اهل بیت(ع) و اکثر مفسران تصریح نموده‌اند بد آن که مراد از آیه، امیرالمؤمنین، سیدهٔ النساء، امام حسن، و امام حسین صلوات الله علیهم اجمعین است و این آیات بلکه این سوره در شأن ایشان نازل شده است.

چنان‌که مروی است از ابن عباس(رضی‌الله‌تنه) که گفت مریض شدند امام حسن و امام حسین(ع) که پیغمبر(ص) به عیادت ایشان رفت و به امیر المؤمنین(ع) گفت که ای ابوالحسن این نذر کنی از برای شغای فرزندان ما و خدمتشان گسترده است و جمع اهل بیت(ع) و اکثر مفسران تصریح مناسب خواهد بود. پس نذر کردند امیر المؤمنین(ع) و سیدهٔ النساء(ص) و فقه که کنیزک ایشان بود که اگر امام حسن(ع) و امام حسین(ع) شفا یابند، هر کدام سه روز روزه دارند. حق سبحانه و تعالی ایشان را شغای عاجل کامل رزانی فرمود.

در آن وقت امیرالمؤمنین(ع) و سیدهٔ النساء(ص) آن قدر چیزی نداشتند که به آن اظفار کنند. پس امیرالمؤمنین(ع) سه صاع جو قرض کرد و سیدهٔ النساء(ص) به دستاس کرد و پنج قرص نان پخت از برای پنج کس که بودند. پس قدری ریخت و نهند تا به آن روزه بکشایند. نگاه سائلی آمد و گفت: السلام علیکم ای اهل بیت رسول خدا. مرد مسکینم از مسکینان مسلمانان. طماعی که در پیش خود نهاده بودند به او دادند و خود به آب اکتفا نموده شب گذراندیند. و روز دیگر قدر دیگر از آن قرصها نزد خود نهادند که بدان روزه بکشایند. یتیمی آمد



و سؤال کرد آنچه پیش خود داشتند به او دادند و خود به آب افطار نموده شب گذراندیند. روز دیگر اسیری آمد و سؤال کرد به همان دستور حصه (نصيب، بهره) که باقی مانده بود به او دادند. پس جبرئیل به این سوره فرود آمد نزد پیغمبر(ص) و گفت بگیر این سوره را ای محمد که جهت تهنیت تو فرستاده است. از خدای تعالی در شأن اهل بیت تو و عبادت پسندیده‌ای که از ایشان صادر شده و این سوره را بر آن حضرت خواند. (سنن‌تیمایر ابوالفتح حسینی جرجانی، آیات الاحکام ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳)

ایثار، بالاترین مرتبه سخاوت
مرحوم ملا احمد نراقی در کتاب ارزشمند معراج السعاده درباره فضیلت ایثار و رابطه آن با سخاوت چنین گوید:

«**و** مخفی نماند که بالاترین مراتب سخاوت، ایثار است و این، مرتبه‌ای است رفیع، و محلی است عظیم. هر کسی را این رتبه حاصل نه، و هر شخصی به این مرتبه واصل نیست. خلاق عالم در مدح این طایفه می‌فرماید: **«وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانِ بِهُمْ خِصَالَةٌ**» یعنی «بوندن که اختیار می‌کردند دیگران را بر خود، اگرچه خود احتیاج داشتند» (حشر - ۹)
از حضرت پیامبر(ص) مروی است که: «هر مردی که خواهش به چیزی داشته باشد پس خود را از آن نگاه دارد و دیگری را بر خود اختیار کند، آزمزیده می‌شود.» (ملا محمدمحسن فیض کشانی، محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۶۹)
و این شیو مرتبهٔ، صفت جلیله، شعار منبع جود و احسان، و بارگزیده انس و جان، پیغمبر(ص) مروی است که: «هر مردی که خواهش به ایثار و امیرمؤمنان(ع) و اولاد طاهرین(ع) او بوده، بعضی از زنان پیغمبر(ص) گفت که: «ان سرور هرگز سه روز بی‌دریج چیز بسیار نخوردی تا از دنیا رفت، و هرگاه می‌خواست می‌توانست سیر بخورد و لیکن آنچه داشت به مردم می‌داد می‌رستگان را بر خود موقوف می‌داشت.» (همان، ج ۵، ص ۱۶۹)
مروی است که: «موسی‌بن‌عمران عرض کرد که: پروردگارا! بعضی از درجات محمد و امت او را به من بنمای. خطاب رسید که: ای موسی! تو را طلاق ندهن ایندین بی‌بست و ولین که تو می‌نمایم یکی از منازل جلیله پیغمبر آخرالزمان را که نویساند آن او را بر تو و بر جمیع مخلوقات خود تفضیل داده‌ام. پس پرده آسمان‌ها از پیش دیده موسی برداشته شد، نگاه کرد دید، منزله‌ای که نزدیک بود که از پرتو آنوار آن، و قرب آن به حریم خاص الهی، موسی قالب تهی کند.

مسئله تعلیم و تربیت اسلامی را می‌توانیم با حفظ ارتباط با مساجد در وجود نوجوانان نهادینه کنیم. نوجوانان با همراهی خانواده خود باید تعامل خود را با عالمان دینی و مساجد حفظ کنند. پایگاه‌های بسیج و مساجد دوره‌های خوبی را در طول سال برگزار می‌کنند که اگر ارتباط با این اماکن بیشتر شود، در نتیجه سبک زندگی اسلامی و تربیت ناشی از آن را می‌توانیم در رفتار و منش فرزندان شاهد باشیم.

عرض کرد: پروردگارا! به چه چیز به این کرامت رسیدی؟ فرمود: به صفتی که مخصوص او گردانیده‌ام، که ایثار و اختیار کردن فقرا در ضرورتی بر خود و عیال خود است. ای موسی از امت او احدی به نزد من نمی‌آید که وقتی از اوقات دیگری را بر خود در ضرورتی اختیار کرده باشد، مگر اینکه شرفی می‌کنم حساب او را بر بسرم و او را در هر جای از بهشت که خواهد جای می‌دهم.» (محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۲۲۲)
و حکایات ایثار حیدر کرار در سنته و افواه مشهور و در تواریخ و کتب مسطور است. و ایثار آن باز گوارا به جایی رسید که در «لیله‌المبیت»، حبت پیغمبر(ص) را بر حیات خود اختیار کرد، و در خوابگاه خاتم الانبیا(ص) خوابید. و به این سبب خداوند عالم بر ملائکه مباحثات نمود و آیه **«وَ مِنْ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ اِتِّنَاءً مَّرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهِ رَؤْفٌ عَلِيمٌ**» (بقره ۲۰۷) نازل شد، و بعد از آن باز گوارا، اطمه انهاره، و خواص شیعیان ایشان در این طریقه مرضیه به ایشان اقتدا نموده و سعی در مراعات این فضیلت می‌کردند. (ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۰۹-۴۱۰)

صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۹۶۱۹۹۱ – ۰۲۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۱۵ آذر ۱۳۹۷
۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ – شماره ۶۷-۳۲

چراغ راه

ریشه‌های کفر
قال‌الامام الصادق(ع): «اصول الکفر ثلاثة: الحرس و الاستکبار و الحسد».
امام صادق(ع) فرمود: ریشه‌های کفر سه چیز است: حرص و تکبر و حسد. (۱)

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۹۶

حکایت خوبان

پایه‌های هلاکت مردم
پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: پایه‌های کفر چهار چیز است:
۱- رغبت(دل‌بستگی به دنیا و شهوات نفسانی) ۲- رهبت(ترس از دست رفتن دنیا و منافع مادی) ۳- سخط(ناخروستندی از قضا و قدر الهی و تقسیم روزی) ۴- غضب(ایستادگی در برابر ارزش‌های الهی و انسانی) (۱)
همچنین در حدیثی دیگر شخصی به امام حسن(ع) عرض می‌کند که در وجود شما تکبر است، حضرت در پاسخ فرمودند: هرگز چنین صفتی در من نیست) تکبر تنها از آن خداست، اما در وجود من عزت است. خدای متعال فرموده است: و عزت از آن خدا و پیامبر او و است و به واسطه آن آدم از بهشت اخراج شد. حسد که سررشته بدی است و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت (۲)

همچنین در حدیثی دیگر شخصی به امام حسن(ع) عرض می‌کند که در وجود شما تکبر است، حضرت در پاسخ فرمودند: هرگز چنین صفتی در من نیست) تکبر تنها از آن خداست، اما در وجود من عزت است. خدای متعال فرموده است: و عزت از آن خدا و پیامبر او و مومنان است.(۳)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۶
۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱
۳- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۵

پرورش و پاسخ

ریشه گناهان

پرشت:
از منظر آموزه‌های وحیانی عوامل کلیدی سقوط انسان و ریشه گناهان کدام است؟

پاسخ: **علمای اخلاق با استفاده از آیات قرآن و روایات، ریشه گناهان و عوامل سقوط انسان را «هوای نفس، دنیا و شیطان» می‌دانند.**

۱- هوای نفس
خداوند دو نوع گرایش در نفس قرار داده است: گرایش به نیکی و گرایش به بدی. زیاده‌خواهی در میل‌های غریزی و کشش‌های کور این هوای نفس یا پیروی از شهوت است.

این چنین نفسی منشا فسادها و گناهان شمرده شده است تا جایی که یوسف پیامبر از اسبپناه و آفت‌های آن به خدا پناه می‌برد: «**و ما ابری نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربه**» «من هرگز خودم را تیره نمی‌کنم که نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند، مگر آنچه را پروردگار رحم کند.» (یوسف -